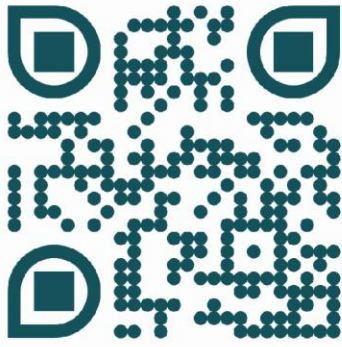




221

A



گروه آموزشی ماز

کنکور ۱۴۰۱

پاسخنامه ماز

گروه آزمایشی علوم انسانی

تهیه شده توسط:

حمید سودیان طهرانی

درس:

فلسفه و منطق



اشتراک الماس

شامل چه محصولاتیه؟

کلاس سالیانه دروس اختصاصی
(تدریس و حل تست پیشرفته) ۴ کلاس



کلاس های تست طلایی
دروس اختصاصی ۴ کلاس



کلاس آمادگی امتحان نهایی
دروس اختصاصی و عمومی ۱۰ کلاس



آزمون های دوپینگ



آزمون سالیانه ۲۳ مرحله



کارگاه های کمر بند مشکی



همایش های موضوعی و
جمع بندی



فقط یکبار هزینه تا روز کنکور به هیچ کلاس و آزمون دیگر نیازی ندارید

۲۳۶- گزینه ۴/متوسط/ درس ۲ منطق

عکس گرفتن دو معنا دارد: ۱- عکس انداختن با دوربین؛ ۲- تحویل گرفتن عکس‌های چاپ شده
گزینه ۱: چون از استعاره استفاده کرده می‌تواند مغالطه توسل به معنای ظاهری ایجاد کند.
گزینه ۲: مغالطه‌ای ندارد.

گزینه ۳: «خانه» دلالت التزامی دارد ولی به معنای مابقی گرفته شده است. پس مغالطه توسل به معنای ظاهری دارد.

۲۳۷- گزینه ۱/ساده/ درس ۳ منطق

چون A اعم از B است، پس همه مصادیق B درون A هستند و بنابراین مجموع مصادیق A و B مساوی با همان مصادیق A است. بنابراین C هم مساوی A خواهد بود.

۲۳۸- گزینه ۳/ متوسط/ درس ۴ منطق

تعریف صحیح فعل: کلمه‌ای که بر انجام کاری یا وجود حالتی دلالت کند و متعلق به یکی از زمان‌های گذشته، حال یا آینده باشد.
تعریف ذکر شده برای «فعل» جامع نیست زیرا شامل کلماتی که بر وجود حالتی دلالت دارند، نه انجام کاری، نمی‌شود. مثلاً شامل فعل «خسته بود» نمی‌شود. از طرفی مانع هم نیست زیرا شامل «مصدر» که متعلق به زمان خاصی نیست و فعل محسوب نمی‌شود هم می‌شود. مثلاً شامل «خندیدن» هم هست در حالی که این کلمه فعل نیست.

گزینه ۱: جامع و مانع است. اگر تعریف مفهومی باشد، می‌توان آن را «دوری» در نظر گرفت.
گزینه ۲: مانع نیست زیرا شامل الاغ هم می‌شود. ولی ظاهراً از نظر طراح کنکور جامع است (البته در واقع چون شامل اسب وحشی نمی‌شود، جامع هم نیست و این سؤال دو پاسخ دارد. علت اینکه ما بین این دو پاسخ، گزینه ۳ را انتخاب کردیم این است که تعریف فعل به همان صورتی که بیان کردیم، دو بار در کنکورهای دهه ۹۰ آمده است و لذا قاعدتاً طراحان کنکور کاملاً به آن توجه دارند ولی ممکن است به تعریف صحیح «اسب» توجه نداشته باشند).
گزینه ۴: جامع نیست زیرا برخی گیاهان شاخه و برگ ندارند. مثلاً درختان در زمستان برگ ندارند و «هویج» شاخه ندارد. اما مانع است زیرا هر موجود زنده دارای شاخه و برگ حتماً گیاه است.

۲۳۹- گزینه ۴/ متوسط/ درس ۵ منطق

تعمیم قوی سه شرط داشت که هر کدام نقض شوند، تعمیم شتاب‌زده می‌شود:

شرط اول: تعداد نمونه‌ها متناسب با تعداد جامعه آماری باشد (تأیید گزینه ۴).

شرط دوم: نمونه‌ها تصادفی باشند.

شرط سوم: نمونه‌ها متفاوت و بیان‌گر همه طیف‌ها باشند.

گزینه ۱: برعکس این مطلب درست است. در استقرای تعمیمی از مقدمات جزئی به نتیجه‌ای کلی می‌رسیم.

گزینه ۲: «به‌طور کامل مشابهت نداشتن» در تمثیل‌های روا هم هست. اگر مطلب نادرستی با تمثیل اثبات شود، تمثیل ناروا خواهد بود، ولی اگر مطلب درست باشد، تمثیل رواست. پس ناروایی تمثیل به جهت عدم تشابه کامل نیست.

گزینه ۳: «تمثیل» روشی برای تفهیم مطالب است، نه استقرای تمثیلی. استقرای تمثیلی، استدلالی است که برای اثبات یک مطلب (نه تفهیم آن) از تمثیل استفاده می‌کند.

۲۴۰- گزینه ۲/ ساده/ درس ۷ منطق

اگر از یک قضیه حملی، عکس مستوی آن نتیجه‌گیری شود ولی قواعد عکس مستوی به‌درستی رعایت نشود، مغالطه «ایهام انعکاس» رخ داده است.
قضیه «همه طرفداران ما به او رأی داده بودند» موجب کلیه است. بنابراین مقدمه موجب کلیه را عکس کرده، ولی قواعد عکس مستوی را رعایت نکرده است؛ چون عکس مستوی موجب کلیه، موجب جزئی است (بعضی از رأی‌دهندگان، طرفدار ما بوده است) ولی در اینجا به صورت کلیه عکس شده است.
پس مغالطه ایهام انعکاس دارد.

۲۴۱- گزینه ۱/ دشوار/ درس ۸ منطق

توجه: مقصود صورت سؤال این است که قیاس موردنظر معتبر است ولی این مطلب را بیان نکرده!



همان‌طور که همیشه گفته‌ایم در این قبیل سؤالات بهترین و دقیق‌ترین و سریع‌ترین راه این است که بلافاصله یک دیاگرام رسم کنید و اطلاعات مسأله را روی آن پیاده کنیم:

بعضی ب الف است.	طبق قانون کیفیت نتیجه، مقدمه دوم هم موجه است. از طرفی قیاس معتبر لااقل یک مقدمه کلیه دارد پس مقدمه دوم کلیه است	بعضی ب الف است.
بعضی الف ج است.	بعضی الف ج است.	بعضی الف ج است.

بنابراین موضوع و محمول مقدمه دیگر علامت یکسان ندارد بلکه موضوع آن مثبت و محمول آن منفی است (رد گزینه‌های ۲ و ۳). محمول مقدمه دیگر با موضوع نتیجه هم‌علامت است (هر دو منفی‌اند) (رد گزینه ۴).

نکته: ما این سؤال را از این نکته حل کردیم که در هر قیاس اقترانی معتبر، دست کم یک مقدمه کلیه وجود دارد. اما این نکته که پاسخ این سؤال را سرعت می‌بخشد، در کتاب درسی نیست. اگر بخواهیم بر اساس مطالب کتاب درسی این سؤال را حل کنیم، باید بگوییم طبق شرط دوم اعتبار، حدوسط باید لااقل در یک مقدمه مثبت باشد. چون در اینجا «ب» حدوسط است و در مقدمه اول منفی است، لذا در مقدمه دوم باید مثبت باشد. از طرفی طبق قانون کیفیت نتیجه، محمول مقدمه دوم منفی است. پس «ب» باید در مقدمه دوم موضوع باشد و قیاس نهایی به این صورت خواهد بود:

بعضی ب الف است.
هر ب ⁺ ج ⁻ است.
بعضی الف ج ⁻ است.

۲۴۲- گزینه ۳ / متوسط / درس ۹ منطق

هر جاننداری تنفس می‌کند و هیچ جاننداری نیست که تنفس نکند. پس اگر جاندار بودن یک موجود درست باشد، تنفس نکردن او نادرست است (نه هر دو) و اگر جاندار بودن آن نادرست باشد، تنفس نکردنش درست است (نه هیچ‌کدام). پس انفصال حقیقی بین «جاندار بودن» و «تنفس نکردن» وجود دارد.

گزینه ۱: مانع‌الرفع است. زیرا جسم می‌تواند هم رسانا باشد و هم غیرفلز، مثل آب (شاید هر دو). ولی اگر جسمی رسانا نباشد، حتماً غیرفلز است (نه هیچ‌کدام).

گزینه ۲: مانع‌الجمع است. زیرا اگر قضیه‌ای حملی باشد دیگر منفصل حقیقی که از اقسام قضیه شرطی است، نخواهد بود (نه هر دو). ولی اگر حملی نباشد، ممکن است شرطی منفصل حقیقی باشد یا نوع دیگری از شرطی (مثلاً شرطی متصل) باشد (شاید هیچ‌کدام).

گزینه ۴: مانع‌الرفع است. زیرا ممکن است شکلی هم چهارضلعی باشد و هم مربع نباشد (شاید هر دو) ولی اگر چهار ضلع نداشته باشد، حتماً مربع نیست (نه هیچ‌کدام).

۲۴۳- گزینه ۲ / ساده / درس ۱ و ۳ فلسفه یازدهم

تفکر یا فهم فلسفی، برای همهٔ انسان‌ها -چه فیلسوف باشند و چه نباشند- ضروری است. این تفکر بر اساس قدرت تفکر خدادادی انجام می‌شود و صرفاً کافی است که موضوع آن، مسائل بنیادی باشد و نیازی به آموختن دانش فلسفه ندارد. اما تفکر فلسفی یک فیلسوف باید قانونمند باشد و لذا چنین تفکری مستلزم یادگیری دانش فلسفه است.

گزینه ۱: فیلسوف کسی است که در مسائل بنیادی به نحو قانونمند و تخصصی بیندیشد، نه هر کس که نظرات خود را مستدل کند. دانشمندان تمام علوم توانایی دارند که نظرات علمی خود را مستدل کنند و لزوماً فیلسوف هم نیستند.

گزینه ۳: برعکس این مطلب درست است. یک فیلسوف واقعی، باورهای خود را با واقعیت هماهنگ می‌کند.

گزینه ۴: هر تعجبی، حیرت فلسفی نیست (البته این مطلب از کتاب درسی حذف شده است ولی با فهم متعارف هم می‌توان دریافت که هر تعجبی ناشی از یک سؤال فلسفی نیست).



۲۴۴- گزینه ۲/ دشوار/ درس ۷ فلسفه یازدهم

مطالعه قوای شناختی و تحلیل آن‌ها یک عملیات معرفت شناختی است که توسط شناخت عقلی انجام می‌گیرد. گزینه‌های ۱ و ۴: دریافت‌های عقل شامل کل هستی است و در همه علوم از جمله علوم تجربی کاربرد دارد، نه اینکه فقط شامل امور غیرمحسوس و ماورای طبیعت باشد.

گزینه ۳: اگرچه قانون علیت از شناخت‌های عقلی است و در همه آگاهی‌های انسان از آن استفاده می‌شود و از این جهت گزینه ۳ هم می‌تواند جواب باشد، اما ظاهراً مقصود طراح کنکور این است که شناخت عقلی مستقیماً در تحقق شناخت‌های دیگر دخالت دارد که این مطلب نادرستی است. زیرا تحقق شناخت حسی و شهودی بدون استفاده از عقل است. این اعتبارسنجی و اعتبار آن‌هاست که مستلزم استفاده از شناخت عقلی است.

۲۴۵- گزینه ۳/ ساده/ درس ۹ فلسفه یازدهم

موضوع اصلی انسان‌شناسی فلسفی چیستی انسان و جایگاه او در عالم هستی است. گزینه ۱: «خود» به معنای ذات و حقیقت انسان، موضوع انسان‌شناسی فلسفی است ولی «خود» به معنای آنچه هرکس از خود در می‌یابد، به علوم تربیتی و روان‌شناسی مربوط است.

گزینه ۲: ماهیت تفکر، به عنوان عالی‌ترین ویژگی انسان، می‌تواند در فلسفه ذهن، منطق و ... مورد بحث قرار گیرد ولی در انسان‌شناسی موضوع اصلی این نیست. بلکه البته تفکر به عنوان ویژگی متمایزکننده انسان از سایر حیوانات چون در فهم حقیقت انسان مؤثر است، موضوع انسان‌شناسی هم هست ولی در اینجا ماهیت تفکر به عنوان عالی‌ترین ویژگی انسان مطرح است، نه وجه تمایز انسان. گزینه ۴: این معنا از «روان» در «روان‌شناسی» مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

۲۴۶- گزینه ۱/ ساده/ درس ۱۱ فلسفه یازدهم

از نظر افلاطون فضیلت فعلی است که در جهت رسیدن ما به سعادت باشد (رد گزینه‌های ۲ و ۴). معیار تشخیص این فعل، عقل است و اگر کارها به فرمان عقل باشند، فضیلت‌مندانه خواهند بود (رد گزینه ۳). اما اعتدال در هر یک از قوا و افعال، دیدگاه ارسطو بود، نه افلاطون. افلاطون صرفاً به عدالت بین قوا توجه داشت.

توجه: شباهت بسیار زیاد گزینه‌های ۲ و ۴ به یکدیگر حیرت‌انگیز است! طبعاً این مقدار شباهت سبب می‌شود دانش‌آموزی که پاسخ را بلد نیست این دو گزینه را حذف کند و به جواب نزدیک شود. این اشکال با ادعای سازمان سنجش در محتوایی شدن سؤالات نمی‌سازد چون باب مهندسی تست را باز می‌کند.

۲۴۷- گزینه ۳ یا ۴/ دشوار/ درس ۲ فلسفه دوازدهم

نکته: در قضایای سالبه، می‌توان قضیه را تبدیل به موجه کرد تا تشخیص نسبت ساده‌تر باشد. بعد از تشخیص نسبت، اگر امکانی بود، قضیه سالبه هم امکانی خواهد بود ولی اگر وجوبی بود، قضیه سالبه امتناعی و اگر امتناعی بود، قضیه سالبه وجوبی خواهد بود. طبق نکته بیان‌شده، قضیه‌های «برخی دانشجویان دیپلمه هستند» و «استوانه وزن دارد» را در نظر می‌گیریم. هر دو قضیه وجوبی است پس دو قضیه سالبه اصلی امتناعی بوده‌اند. توجه کنید که در سطح دبیرستان معمولاً مقصود از اشکال و احجام هندسی، اجرامی به این صورت‌ها هستند لذا جسم محسوب می‌شوند و وزن دارند.

چالش: همان‌طور که گفتیم معمولاً در کتاب‌های درسی، مقصود از مفاهیمی مثل «کره، استوانه، دایره، مثلث و ...» اجسامی است که به این شکل‌ها و حجم‌ها هستند و لذا چون جسم محسوب می‌شوند و وزن دارند. اما می‌توان این امور را به معنای حقایقی انتزاعی و ذهنی هم در نظر گرفت که در ریاضیات هم همین‌گونه در نظر گرفته می‌شود و در فلسفه به این امور، موجودات عالم مثال مفارق گفته می‌شود. اگر این‌گونه در نظر بگیریم که دقیق‌تر هم هست، گزینه ۴ جواب این تست خواهد بود. اما از طرفی اگر این مطالب را بالاتر از سطح کتاب درسی دبیرستان بدانیم، گزینه ۳ برای کنکور مناسب‌تر است. چاره‌ای نیست جز اینکه منتظر پاسخ سازمان سنجش بمانیم.

۲۴۸- گزینه ۱/ دشوار/ درس ۳ فلسفه دوازدهم

درک علیت حوادث طبیعی و محسوس نیاز به حس و تجربه دارند ولی در مورد حوادث غیرطبیعی و غیرمحسوس این‌طور نیست. مثلاً «اراده انسان» یک حادثه غیرطبیعی و غیرمحسوس است که علت عمل اختیاری و ارادی انسان است. تشخیص علیت اراده برای عمل، نیازی به حس و تجربه ندارد بلکه نیروی عقل با تحلیل حالات درونی نفس آن را تشخیص می‌دهد.



گزینه ۲: هیوم ضرورت میان علت و معلول را نپذیرفته است که بخواهد آن را علت تداعی ذهن بداند. از نظر او مشاهده مکرر توالی حوادث، در ذهن ایجاد تداعی می‌کند.

گزینه ۳: دکارت اصل علیت را فطری می‌داند ولی معتقد است تشخیص مصادیق علت و معلول (مثل اینکه چه چیزی علت یک معلول است) نیازمند تجربه و آموزش است و فطری نیست.

گزینه ۴: دکارت و فیلسوفان مسلمان پذیرش علیت را بدون تلاش‌های تجربی می‌دانند زیرا خود علیت پایه هرگونه تجربه است.

۲۴۹- گزینه ۳/ دشوار/ درس ۳ و ۴ فلسفه دوازدهم

اگر فیلسوفی معتقد باشد اصل سنخیت، تجربی است نمی‌تواند این اصل را به موارد تجربه نشده تعمیم دهد. بنابراین همواره ممکن است در برخی حوادث ناشناخته سنخیت نقض شود و معنای دوم اتفاق تحقق پیدا کند. پس چنین فیلسوفی نمی‌تواند این معنا از اتفاق را در حوادث بعدی، غیرممکن بداند.

گزینه ۱: علت ناقصه به معلول وجوب بالغیر نمی‌دهد و آن را در حالت امکانی خود باقی می‌گذارد. این تنها علت تامه است که ضرورت‌بخش است.

گزینه ۲: هیچ فیلسوفی به طور صریح اتفاق به معنای نفی رابطه ضروری میان علت و معلول (معنای اول اتفاق) را نپذیرفته است ولی هیوم فیلسوفی است که این معنای اتفاق را انکار هم نکرده است. به عبارت دیگر او وقوع چنین معنایی از اتفاق را امکان‌پذیر می‌داند و بر این باور نیست که لزوماً میان هر حادثه و علل آن، رابطه ضروری برقرار است.

گزینه ۴: هیوم اصل علیت را تجربی نمی‌داند بلکه معتقد است این اصل از هیچ راه معتبری قابل شناخت نیست. آنچه او تجربی می‌داند صرفاً زمینه تداعی این اصل در ذهن است، نه خود آن.

۲۵۰- گزینه ۲/ متوسط/ درس ۵ فلسفه دوازدهم

در برهان ارسطو ابتدائاً به این مطلب توجه می‌شود که در جهان حرکت وجود دارد. لذا چون هر حرکتی نیاز به محرک دارد، باید محرکی هم باشد. اگر خود آن محرک هم متحرک باشد، باز نیازمند محرک دیگری است و این سلسله از محرک‌ها ادامه می‌یابد (رد گزینه ۴). اگر به یک محرک غیرمتحرک نرسیم، تسلسل محرک‌ها ایجاد می‌شود که محال است پس یک محرک غیرمتحرک داریم.

گزینه ۱: از آخرین مقدمات است.

گزینه ۳: نتیجه برهان است، نه مقدمه.

۲۵۱- گزینه ۴/ دشوار/ درس ۶ فلسفه دوازدهم

وقتی ثابت کنیم در رأس سلسله علل، یک علت غیرمعلول هست، هم آن علت غیرمعلول ابتدای سلسله است و تسلسل علل (نامتناهی) را ممتنع می‌کند و هم خودش همان خداوند است، لذا وجود خدا هم اثبات شده است.

تذکر: اینکه در این گزینه صفت «نامتناهی» برای تسلسل نیامده است می‌تواند سبب نادرستی آن شود ولی با توجه به نادرست بودن قطعی سایر گزینه‌ها نتیجه می‌گیریم که مقصود طراح از «تسلسل»، همان تسلسل علل نامتناهی است.

گزینه ۱: یکی از نتایج ابن‌سینا از برهان خود بر اثبات وجود خدا، این است که واجب‌الوجود بر دو قسم است: واجب‌الوجود بالذات و واجب‌الوجود بالغیر. او می‌گوید اشیای جهان واجب‌الوجود بالغیر هستند ولی این مطلب که این اشیا (واجب‌الوجود بالغیر) وجود دارند، مقدمه برهان است، نه نتیجه.

گزینه ۲: هدف براهین ابن‌سینا و فارابی بر اثبات وجود خدا، تبیین علیت نبوده است. در واقع، آن‌ها هر یک به شیوه‌ای از این اصل بهره برده‌اند، نه اینکه اثباتش کرده باشند.

گزینه ۳: هر چیز علتی ندارد بلکه هر معلولی (موجودی که وجودش از خودش نیست یا ممکن‌الوجود بالذات یا فقیر است) علت دارد.

۲۵۲- گزینه ۳/ دشوار/ درس ۷ فلسفه دوازدهم

مقصود از دانش عملی دانشی است که با عقل عملی حاصل می‌شود و به باید‌ها و نبایدهای اخلاقی مربوط است. بر این اساس گزینه‌ها را تحلیل می‌کنیم: گزینه ۳: عدالت و قوانینی که در تأمین آن مؤثرند در زمره مسائل اخلاقی‌اند زیرا عدالت مورد تحسین اخلاقی قرار می‌گیرد. پس چنین دانشی، دانش عملی محسوب می‌شود.

سایر گزینه‌ها: ربطی به مسائل اخلاقی ندارند پس دانش نظری هستند.



۲۵۳- گزینه ۴/ دشوار/ درس ۸ فلسفه دوازدهم

بالقوه بودن عقل در ابتدای تولد از شاخصه‌های تفکر مشائیان است که به ابن‌سینا هم به ارث رسیده است. او و فارابی شکوفایی عقل را در چهار مرحله ترسیم می‌کنند. از طرفی ابن‌سینا هم مانند فارابی معتقد است که درک مفهوم کلی از سوی عقل انسان، مستلزم کسب فیض از عقل فعال است که یکی از موجودات عالم عقول محسوب می‌شود.

گزینه ۱: «عقل کل» عنوانی است که برخی فیلسوفان یونان به خدا داده‌اند، نه ابن‌سینا. حتی اگر ابن‌سینا این عنوان را بپذیرد، قطعاً خدا را یکی از موجودات عالم عقول نخواهد دانست. زیرا از نظر او این موجودات همگی مخلوقات خدا و ممکن‌الوجود بالذات هستند.

گزینه ۲: در مرحله عقل بالملکه، فقط بدیهیات درک می‌شوند، نه معلومات ساده. زیرا معلومات ساده می‌توانند غیربدیهی و نیازمند به استدلال هم باشند. مثل «دو ضرب در دو مساوی چهار» که با وجود سادگی، بدیهی نیست و اثبات می‌شود.

گزینه ۳: برعکس این مطلب درست است. منزلت عقل فعال به عقل انسان، مثل نور است به چشم، نه چشم به نور.

۲۵۴- گزینه ۱/ متوسط/ درس ۱۰ فلسفه دوازدهم

سؤال دانشی است و باید عبارت قطب‌الدین رازی را در ذهن داشته باشید. آن عبارت این بود: «حکمت اشراق، حکمتی است که اساس و بنیان آن اشراق است. اشراق نیز عبارت است از کشف و شهود و این حکمت همان حکمت شرقیانی است که اهل فارس بوده‌اند، زیرا حکمت آنها هم شهودی و کشفی بوده است...»

توجه: طبق عبارت‌های دیگر کتاب درسی، این مطلب می‌تواند درست نباشد. زیرا کتاب در جای دیگری می‌گوید حکمت اشراق هم فلسفه است و لذا فقط بر اساس برهان عقلی محض استدلال می‌کند. اما در اینجا عبارت قطب‌الدین رازی موردنظر است و معنای پایه اصلی حکمت اشراق هم پایه استدلال‌های این حکمت نیست. بلکه مقصود این است که در این حکمت آن حقیقتی که شهود شده، با برهان عقلی، استدلالی و اثبات و تبیین می‌شود، نه اینکه کاری با شهود نداشته باشیم.

۲۵۵- گزینه ۱/ دشوار/ درس ۶ و ۱۱ فلسفه دوازدهم

ملاصدرا براساس مبانی فلسفی خود، استدلال ابن‌سینا را ارتقا بخشید. این مبانی همان اصالت و وحدت وجود و مراتب داشتن آن هستند.

گزینه ۲: از نظر ملاصدرا درخت و انسان و خورشید و جمله این امور گوناگون مانند موج‌اند که از خود هویتی و وجودی جدای از خداوند ندارند و جز خدا، چیزی در عالم نیست. پس از نظر او، حق متعال هم در نظام وجود تحلیل می‌شود و کل وجود بدون هیچ محدودیتی، همان خداوند است (نکته بی‌ارتباط با کنکور: البته این دیدگاه از نظر بسیاری از فقها و متکلمان پذیرفته نیست و تعالی خداوند سبب می‌شود نتوان او را در نظام جهان معقول، توصیف کرد).

گزینه ۳: هستی گرفتن از یک وجود یگانه، پیام اصالت وجود نیست.

گزینه ۴: از نظر ملاصدرا کثرت به مراتب داشتن وجود برمی‌گردد، نه ماهیت.

